



بیشتر از آنچه نیاز دارید از دنیا نطلبید/ فنا بر پیشانی دنیا نوشته شده!

امام علی(ع) می فرماید: همانا دنیا سرای دوستی است برای آن کس با آن از سر راستی درآمد و سرای درستی است

خبرگزاری مهر - امام علی(ع) می فرماید: همانا دنیا سرای دوستی است برای آن کس با آن از سر راستی درآمد و سرای درستی است برای کسی که آن را دریابد و سرای بی نیازیست برای او که از آن توشه بگیرد و سرای پند است برای کسی که از آن پند گیرد. امام علی(ع) در خطبه چهل و پنجم نهج البلاغه می فرماید: «ستایش ویژه خداوندی است که کسی از رحمتش مأیوس نمی شود و از نعمتهای فراوانش بیرون نتوان رفت، از آموزش و مغفرتش کسی نومید نمی گردد و از پرستش و عبادتش سر نباید پیچید. خداوندی که رحمتش قطع نمی گردد و نعمتش پایان نمی پذیرد. دنیا خانه ای است که فنا بر پیشانیش نوشته شده و جلای وطن برای اهل آن حتمی است، این جهان شیرین و دل انگیز و سر سبز است، به سرعت به سوی خواهانش می دود و با قلب و روح آن کس که به آن نظر افکند می آمیزد. سعی کنید با بهترین زاد و توشه ای که در اختیار شماست از آن کوچ نمائید و بیش از کفاف و نیاز خود از آن نخواهید و بیشتر از آنچه نیاز دارید از آن مطلبید.»

این جملات، قسمتی از خطبه روز عید فطر می باشد که در آن از ستایش خداوند و مذمت دنیا پرستی سخن به میان آورده است.

ششمین حدیث از کتاب چهل حدیث امام خمینی(ره) در باب "محبت به دنیا" است. ایشان در این باب، دریچه سخن را با حدیثی از امام صادق(ع) می گشاید: "کسی که صبح و شام کند در حالی که دنیا بزرگترین همت او باشد، خداوند فقر را میان دو چشمش قرار دهد و کار او را پریشان سازد و او را از دنیا بهره مند نگرداند مگر آن مقدار که سهم اوست و کسی که صبح و شام کند، در صورتی که همت او آخرت باشد، خداوند بی نیازی را در دل او قرار می دهد و کار او را به سامان می رساند." منظور ما در این روایت، سخن از دنیای ناپسندی است که شخص جویای سعادت مندی آخرت، باید از آن دوری کند و از نقطه نظر علامه مجلسی که مبتنی بر آیات و روایات است، دنیای ناپسند، پرداختن به اموری است که انسان را از اطاعت خداوند باز می دارد، هر چند ظاهر شرعی داشته باشد، مثل ریاضتها و زهد ورزیهایی که انسان را از خدا دور می کند.

همچنین هر چیزی که باعث تقرب به خدا و کسب سعادت در قیامت گردد، آخرت نام دارد، هر چند ظاهراً اموری دنیایی باشد، مثل تجارت و صنعت که از آن جمله امرار معاش، کمک به دیگران و شرکت در کارهای خیر است. دنیا سرای راستی است برای کسی که آنرا باور دارد، سرای ایمنی (از عذاب الهی) است برای کسی که فهمید و آنچه را خبر داد، دریافت نمود، سرای توانگری است برای کسی که از آن ره توشه برداشت... . مرتبه دنیایی هر کس اگر چه ذاتاً ناقص است، اما چون محلی برای کسب سعادت اخروی است نزد اولیای الهی از ارزشمندترین عالمها به حساب می آید و اینکه می بینیم دنیا در برخی آیات و روایات مورد مذمت قرار گرفته است منظور اصل دنیا نیست، بلکه توجه و محبت به آن، سرزنش شده است. چنانکه شخصی در حضور امام علی(ع) دنیا را سرزنش نمود. حضرت فرمود: «دنیا سرای راستی است برای کسی که آنرا باور دارد، سرای ایمنی (از عذاب الهی) است برای کسی که فهمید و آنچه را خبر داد، دریافت نمود، سرای توانگری است برای کسی که از آن ره توشه برداشت... ."(نهج البلاغه، فیض الاسلام/1149) بنابراین آنجا که دنیا مذموم و ناپسند خوانده شده، منظور محبت قلبی به دنیا است؛ چرا که هر چه دلبستگی شخص به دنیا بیشتر باشد، حجاب بین او و پروردگار غلیظتر خواهد بود.

چرا انسان به دنیا محبت دارد؟

انسان چون در عالم طبیعت به دنیا می آید و در حقیقت اولاد این عالم است، محبت دنیا در قلب او وجود دارد. از سوی دیگر این عالم را محل عیش و عشرت خود می داند و مرگ را سبب جدایی از این نعمتها می شمارد، لذا به دنیا یعنی محل عیش و نوش خود، محبت دارد؛ همچنین انسان فطرتاً میل به جاودانگی دارد و تصور می کند مرگ فنای اوست. پس ما یا ایمان به آخرت نداریم و یا اطمینان قلبی ما به این باور ضعیف و سست است. در حالی که اگر فناپذیری این عالم را بدانیم و جاودانگی آخرت را یقین کنیم، از این عالم روی گردان خواهیم شد.

چنانکه حضرت علی(ع) می فرماید: «سوگند به خدا که انس پسر ابوطالب به مردن، از علاقه طفل به پستان مادر بیشتر است." این علاقه به آن خاطر است که حضرتش حقیقت دنیا را دیده و اگر بنا به مصالحی نبود در این دنیا برای لحظه ای درنگ نمی کرد. در خصوص محبت به دنیا باید دانست که همین دوستی اسباب گرفتاری است و میزان طول کشیدن عالم برزخ و قبر همین تعلقات دنیوی می باشد. هرچه وابستگی انسان به دنیا کمتر باشد، برزخ و قبر او گشادتر، روشن تر و مکث انسان در آن کمتر است، چنانکه

در برخی روایات، برزخ اولیای الهی سه روز عنوان شده است و عمده فشار و سختی به دلیل همین وابستگی هاست. برای دوستان پروردگار، همین توقف در این عالم که عالم کثرت است و نیز اشتغال به امور دنیوی، با همه ضرورت‌هایش دارای درد و رنج است. بیشتر ناله اولیای الهی، درد جدایی از پروردگار است.

هر اندازه بهره شخص از دنیا بیشتر باشد، وابستگی قلبی او به دنیا بیشتر می‌گردد تا جایی که دوستی دنیا، سراسر دل او را فرا می‌گیرد و این حالت منشأ همه گناهان او خواهد بود. از مفسد بزرگ، آن است که محبت دنیا قلب انسان را فرا بگیرد و هنگام مردن برای شخص فاش شود که خداوند او را از محبوبش در دنیا جدا می‌کند. امام صادق(ع) فرمود: «مَثَلُ دُنْيَا مِثْلُ آبٍ دَرِيَا، شَخْصٌ تَشْنَه هَرْجَه اَز اَن بِيَاشَامِد، تَشْنَكِي رَا زِيَادَتَر مِي كُنَد تَا اُو رَا اَز بَيْن بِيَرَد.» از مفسد محبت به دنیا ترس از مرگ است و این ترس، غیر از ترسی است که مؤمنان دارند.

برخی پیامدها

درخصوص محبت به دنیا باید دانست که همین دوستی اسباب گرفتاری است و میزان طول کشیدن عالم برزخ و قبر همین تعلقات دنیوی می‌باشد. هرچه وابستگی انسان به دنیا کمتر باشد، برزخ و قبر او گشادتر، روشنتر و مکت انسان در آن کمتر است، چنان که در برخی روایات برزخ اولیای الهی سه روز عنوان شده است و عمده فشار و سختی به دلیل همین وابستگی‌هاست. از مفسد محبت به دنیا ترس از مرگ است و این ترس، غیر از ترسی است که مؤمنان دارند.

عبادت

از دیگر مفسد محبت به دنیا آن است که انسان را از عبادات شرعی باز می‌دارد، جنبه طبیعی انسان را تقویت و عزم او را سست می‌کند، در حالی که یکی از اسرار عبادت آن است که روح و اراده شخص تقویت و بدن تابع اراده روح می‌شود. اگر بدن تابع اراده روح گردد، زحمت عبادت از بین می‌رود و اراده تقویت می‌شود و در این صورت مراتبی از بهشت که لازمه رسیدن به آن داشتن اراده و عزمی قوی است، به شخص اختصاص می‌یابد.

پس با انجام دادن هر کدام از عبادات عزم و اراده انسان تقویت می‌گردد؛ مثلاً کسی که در شب سرد زمستان از بستر برمی‌خیزد و به عبادت خدا قیام می‌کند اراده اش تقویت می‌گردد. این کار اگر چه در ابتدا مشکل است، اما به مرور زمان برایش آسان می‌گردد، این گونه عبادت علاوه بر تشکیل صورت عمل در قیامت و طبعاً بهره مندی از آن، موجب تقویت اراده می‌شود و به مرور زمان علاقه انسان را به عبادت افزون می‌سازد، چه بسا این علاقه مجازی به علاقه حقیقی یعنی علاقه و مهر به ذات اقدس پروردگار منجر شود.

از جمله گناهان بزرگ قلبی و بیماریهای شدید روانی که منشأ سایر گناهان قلبی و جسمی می‌باشد دوستی دنیاست و تمام پیامبران آنرا نهی کرده اند و حب دنیا حرام است. زندگی انسان از هنگام ولادت تا ساعت مرگ و آثار و لوازم و اعتبارات و هرچه راجع به آن است همه را دنیا می‌گویند. حیات در عالم طبیعت فرصت مناسبی است برای فراهم کردن زاد و توشه راه سفر به سوی آخرت، زیرا عالم مظهر جمال و جلال و کمال است و تا زمانی که تعلقی به خود جلب نکند مورد سرزنش نیست ولی زمانی که دلبستگی و تعلق به امور دنیا در وجود انسان نقش پیدا کرد و انسان با آن تمایلات انس گرفت دنیا مورد نكوهش است، چون انسان از توجه به آخرت باز می‌ماند و میان او و پروردگارش هزاران پرده از ظلمت می‌افتد و آنچه حق است از نظر انسان دور می‌شود.

امروزه مردمان فکر می‌کنند دستیابی به تمایلات دنیایی بالاترین درجه خوشبختی است و فکرشان این است که هر روز این خوشبختی را تشدید کنند و مسائل دنیایی مردم را به شدت مشغول کرده و در برخی امور چگونگی رسیدن به این اهداف مهم نیست و برایشان مقصد مهم است. امام علی(ع) می‌فرماید: دنیا دوستی منشأ هر گناه است. این تعلقات دنیوی بر دل حجاب ظلمت می‌افکند و آدمی را از کمالات باز می‌دارد و هرچه دلبستگی بیشتر همان میزان درک معنویات و معارف کمتر می‌شود. امام صادق(ع) می‌فرماید: مثل دنیا مثل آب دریاست که هرچه تشنه از آن بیاشامد تشنگی را زیادتر می‌کند تا او را هلاک کند. امام علی(ع) می‌فرمایند: همانا دنیا سرای دوستی است برای آن کس با آن از سر راستی درآید و سرای درستی است برای کسی که آنرا دریابد و سرای بی‌نیازیت برای او که از آن توشه بگیرد و سرای پند است برای کسی که از آن پند گیرد. دنیا سجده گاه دوستداران خدا و نمازخانه فرشتگان خدا و جای فرود وحی الهی و بازار یاران خداست که در آن رحمت را به دست می‌آورند و بهشت را سود برند.

انسان الهی در این دنیا مال را دوست دارد از جهت اینکه لطف الهی است با آن می‌تواند آسایشی در زندگی دنیا و آخرت او باشد و وسیله ای برای تقرب الی الله و یا فرزند را دوست دارد چون عطای الهی است و اگر شایسته تربیت شود در ثواب کردارهایش والدین سهیم هستند و نیز قدرت و عزت و ثروت و مکنت و شهرت و منصب و ریاست اگر بهره هر انسانی شود باید بکوشد در جهت امر الهی

قدم بردارد و به یاری ستمدیدگان و ناتوانان و دادخواهی از ستمگران بپا خیزد. اگر پرسیده شود چگونه اسلام حب دنیا را تحریم می کند در حالی که اگر دوستی دنیا نباشد کسی به دنبال کسب و کار و یاد گرفتن صنعتی و غیره نمی رود و هیچ تلاشی نمی کند و این مختل شدن نظام و برخلاف دستگاه آفرینش است. در جواب باید گفت: آنچه اسلام تحریم فرموده ترجیح دادن دنیا بر آخرت است یعنی به دنیا بیش از آخرت علاقه مند شدن حرام است.

اگر دقت کنیم در همه فسادها و تباهیها و نبردها و نزاعها و خونریزیها و بی نظمی ها و گسیختگی ها که در بشر امروزی بین دو نفر یا دو کشور دیده می شود و یا در تاریخ خوانده می شود می بینیم ریشه آن جز حب دنیا علت دیگری نداشته است و در برابر آن هر نوع راستی و درستی در گفتار و کردار و هر چیزی که باعث آرامش و آسایش واقعی نصیب گردید ریشه اش ایمان به خدا و آخرت است و کسی که دل از دنیا برید و به خدا پیوست برایش حیات طیبه یعنی زندگی با سعادت و شرافت و عزت فراهم است به طوری که به هیچ آفریده ای خود را نیازمند نمی بیند و به جز خدا از هیچ کس ترس و وحشت ندارد. امام علی(ع) می فرماید: دوستی دنیا عقل را فاسد می کند زیرا کسی که چیزی را دوست دارد عیبهای آنرا نمی بیند و دوستدار دنیا فنا و زوال و بلاها و مکدر بودن لذتهایش را درک نمی کند و دوستی دنیا گوشش را کر می کند و حق و حقیقت و نصیحت را نمی پذیرد و این دوستی موجب عذاب و هلاکت است.